

سیدرسول موسوی^۱

استقلال ازبکستان در سال ۱۹۹۱ تغییر در سنت تمرکزگرایی قدرت در این جمهوری ایجاد نکرد و ساختارهای بجای مانده از دوران شوروی با توجه به فرهنگ سیاسی کمونیستی تسلط یافته تحت عنوان «راه ازبکی» و با همان روشهای گذشته اداره کشور را برعهده گرفتند. شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه ازبکستان نشان دهنده شرایط بحرانی در این کشور است و احتمال وقوع جنبش‌های توده‌ای نظیر آنچه در اندیجان اتفاق افتاد زیاد است. دو مسیر در مقابل نظام سیاسی ازبکستان قرار دارد یا باید از طریق انجام اصلاحات واقعی این شرایط بحرانی را از بین ببرد و یا با شرایط سخت جنبش‌های توده‌ای مواجه خواهد شد.

شکل‌گیری ازبکستان

اتحاد جماهیر شوروی بدنبال برگزاری نخستین کنگره اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ۳۰ دسامبر ۱۹۲۲ تشکیل گردید. در این کنگره از متحد شدن جمهوری شوروی فدرال سوسیالیستی روسیه، فدراسیون جمهوری‌های شوروی ماورای قفقاز^(۱)، جمهوری شوروی سوسیالیستی اوکراین و جمهوری شوروی سوسیالیستی بیلوروس اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی شکل گرفت. در این زمان در آسیای مرکزی در کنار جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی ترکستان به پایتختی تاشکند که بخشی از روسیه محسوب می‌شد دو جمهوری مستقل دیگر به نامهای جمهوری مردمی بخارا و جمهوری مردمی خوارزم وجود داشتند که به جهت آنکه هنوز بلشویک‌ها قدرت کامل را در آنها در اختیار نگرفته بودند در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی وارد نگردیدند. استالین در این باره در گزارشی به کنگره اتحاد شوروی می‌نویسد:

۱. دکتر سیدرسول موسوی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است.

دو جمهوری مستقل شوروی یعنی خوارزم و بخارا که نه جمهوری‌های سوسیالیستی بلکه مردمی می‌باشند، فعلاً از چارچوب این اتحاد بیرون مانده‌اند. من و شما شک نداریم که این جمهوری‌ها با توجه به رشد داخلی سوسیالیستی خود در آینده به این اتحاد خواهند پیوست.^(۲)

مدت کوتاهی از این وضعیت نگذشته بود که بلشویک‌ها حکومت‌های مردمی بخارا و خوارزم را ساقط و در ۱۴ اوت ۱۹۲۳ خود را جمهوری سوسیالیستی اعلام کردند و خواستار ورود به اتحاد جماهیر شوروی شدند.^(۳) تقاضای ورود بخارا و خوارزم از طرف مسکو همانند وضعیت اوکراین و بیلوروس مورد پذیرش قرار نگرفت بلکه بحث جدیدی به میان کشیده شد مبنی بر آنکه آسیای مرکزی با خطوط جدید مرزی بین قومیت‌های موجود تقسیم گردد که در نتیجه این تصمیم سه جمهوری مستقل ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان (قزاقستان)^(۴)، جمهوری خودمختار تاجیکستان و ابسته به ازبکستان و استان خودمختار قزاقیز (قرقیزستان)^(۵) در داخل روسیه در ۲۴ اکتبر ۱۹۲۴ تشکیل گردیدند.^(۶)

در مرزبندی‌های سالهای ۲۵-۱۹۲۴ ازبکستان به پایتختی سمرقند در شرایط بسیار مطلوبی تشکیل گردید. در حقیقت می‌توان گفت که جمهوری ازبکستان در بخش اعظمی از مرزهای امارت بخارا^(۷) تشکیل یافته بود. ازبکستان به عنوان قدرتمندترین جمهوری شوروی سوسیالیستی در آسیای مرکزی وارد اتحاد شوروی شد و با در اختیار گرفتن سمرقند و بخش اعظم دره حاصلخیز فرغانه. کل جمهوری مردمی بخارا و قسمت اعظم خیوه و خوارزم پایه‌گذار موجودیتی جدید و با قدرت در آسیای مرکزی شد.^(۸)

شکل‌گیری قدرت برتر ازبکستان در منطقه آسیای مرکزی که توسط نخبگان فکری بخارا رهبری می‌شد با قدرت‌گیری استالین در مسکو به چالش کشیده شد و استالین در سال ۱۹۲۹ با طرح مرزبندی‌های جدید موجب کاهش قدرت ازبکستان شد. در مرزبندی‌های سال ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ جمهوری خودمختار تاجیکستان از ازبکستان جدا شد و با گرفتن خجند و نواحی

آن که از بک نشین بودند به عنوان یک جمهوری سوسیالیستی شوروی تاجیکستان شناخته شد. پایتخت ازبکستان از سمرقند به تاشکند منتقل شد و کل کادر سیاسی و نخبگان ازبکستان مشمول تصفیه‌های سخت استالین شدند و ازبکستان در مرزهای فعلی و با کادرهای جدید که مورد اعتماد استالین بودند شکل گرفت.

ازبکستان علی‌رغم از دست دادن بخش‌های زیادی از سرزمین خود و تصفیه‌های شدید دوران استالین به جهت ترکیب جمعیتی خود و قرار گرفتن در مرکز منطقه آسیای مرکزی و تسلط بر دره فرغانه همچنان به عنوان قوی‌ترین واحد ملی در آسیای مرکزی باقی ماند. بطوری که پس از فروپاشی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، ازبکستان همچنان به عنوان مهم‌ترین دولت مستقل آسیای مرکزی شناخته می‌شود.

استقلال و اقتدارگرایی

استقلال ازبکستان همانند استقلال دیگر جمهوری‌های شوروی مرهون شکست کودتای اوت ۱۹۹۱ باند قدرت شوروی است. کودتای اوت ۱۹۹۱ شوروی که در آن باند قدرت تشکیل شده از رهبران حزب کمونیست و دستگاه‌های امنیتی - اطلاعاتی شوروی در نظر داشتند با کنار گذاشتن گورباچف، شوروی را به وضعیت سابق خود بازگردانند فرصتی را برای جمهوری‌های مختلف عضو اتحاد شوروی فراهم ساخت تا با موضعگیری خود به له یا علیه کودتاگران مسیر دیگری را برای آینده جمهوری رقم بزنند.

رهبران وقت ازبکستان در قبال کودتاگران مسکو از خود دودلی نشان دادند و نتوانستند تصمیم قاطعی در مقابل کودتاگران اتخاذ کنند. در ۲۰ اوت ۱۹۹۱ فرمان کودتاگران مسکو در روزنامه پراودا وستوکا که تحت کنترل دولت ازبکستان بود منتشر شد. این فرمان که کنار گذاشتن گورباچف را در قالب استعفای وی مطرح می‌ساخت مردم تمام اتحاد شوروی را به حفظ آرامش و تبعیت از قوانین وضعیت اضطراری دعوت می‌کرد.^(۹) در زمان وقوع کودتا، اسلام کریم اف^(۱۰) که

دبیر اول حزب کمونیست و رئیس جمهور ازبکستان بود در یک سفر رسمی در دهلی نو به سر می برد. کادر رهبری ازبکستان متشکل از اعضای هیأت وزیران و هیأت رئیسه شورای عالی ازبکستان به ریاست شکرالله میرسعیدوف معاون اول رئیس جمهور جهت بررسی وضعیت پیش آماده و فرمان کودتاگران در ۲۱ اوت جلسه مشترکی را برگزار نمودند و با انتشار بیانیه‌ای ضمن انتقادی نرم از کودتاگران در خصوص استفاده از زور برای حل اختلافات سیاسی از مردم ازبکستان درخواست نمودند آرامش و نظم خود را حفظ کنند و از قوانین اطاعت نمایند.^(۱۱)

بازگشت کریم اف از سفر هند با شکست کودتاگران مسکو همزمان شد و این همزمانی فرصت مناسبی را در اختیار کریم اف قرار داد تا با عنوان طرد طرفداران کودتا در تاشکند رقبای سیاسی خود را تصفیه کند و مسیر دیگری را برای ازبکستان انتخاب کند مسیری که استقلال ازبکستان را در پی داشت.

شکست کودتای اوت ۹۱ را می توان پایان شوروی و آغاز استقلال جمهوری های اتحاد شوروی دانست. شورای عالی ازبکستان در ۳۱ اوت ۱۹۹۱ استقلال جمهوری ازبکستان را اعلام نمود و فعالیت حزب کمونیست ازبکستان را به حالت تعلیق درآورده و در ۱۷ سپتامبر به فرمان کریم اف فعالیت های حزب کمونیست در ساختارهای دولتی ممنوع اعلام گردید.^(۱۲)

ممنوعیت فعالیت حزب کمونیست در ساختارهای دولتی به معنی پاکسازی رهبران و مدیران ساختارهای دولتی نبود. آنها پست ها و مقام های خود را حفظ کردند ولی نام حزب کمونیست ازبکستان به «حزب دموکراتیک خلقی ازبکستان» تغییر یافت و سرانجام در ۱ نوامبر ۱۹۹۱ آن عده از رهبران حزب کمونیست هم که به جهت طرفداری از کودتا از پست های خود کنار گذاشته شده بودند به ساختارهای دولتی بازگشتند.^(۱۳)

در دسامبر ۱۹۹۱ اولین انتخابات ریاست جمهوری ازبکستان مستقل برگزار شد و اسلام کریم اف با رأی مستقیم مردم بر رقیب خود محمد صالح رهبر حزب دموکراتیک ارک پیروز شد. پیروزی کریم اف در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۱ سرآغاز تمرکز قدرت در

ازبکستان می‌باشد و قانون اساسی ازبکستان هم که در دسامبر ۱۹۹۲ رسمیت یافت به شکل گسترده‌ای به این تمرکز قدرت رسمیت بخشید و اختیارات رئیس جمهور را بسیار وسیع و گسترده منظور داشت از جمله:

- نصب و عزل نخست‌وزیر، معاون اول رئیس جمهور، معاون نخست وزیر، اعضای کابینه، دادستان کل و معاونین وی (با تأیید بعدی مجلس عالی)؛

- انتصاب رئیس و اعضای دادگاه قانون اساسی، رئیس دیوانعالی کشور، رئیس دادگاه عالی اقتصادی و رئیس کل بانک مرکزی؛

- نصب و عزل قضات مناطق و نواحی، شهرها و دادگاههای سازش؛

- نصب و عزل حکام ولایات (استانداران - والی‌ها) و رئیس شهر تاشکند؛

- انحلال مجلس عالی (پارلمان) در هنگام اختلاف بین نمایندگان و رئیس جمهور. (۱۴)

به غیر از موارد فوق که قانون اساسی ازبکستان قدرت ویژه‌ای را به رئیس جمهور داده است رئیس جمهور از طریق نصب و عزل حکام ولایات به صورت غیرمستقیم نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختار قدرت ازبکستان پیدا می‌کند. نخست به جهت آنکه قدرت رئیس جمهور از طریق حکام ولایات در شهرها و نواحی توزیع می‌شود و حکام خود را در مقابل شخص رئیس جمهور مسئول می‌دانند و به این طریق رئیس جمهور در رأس سلسله مراتب هر می شکل قدرت قرار می‌گیرد و دلیل دوم دیگر قدرت رئیس جمهور از طریق حکام به جهت نقش ویژه حکام ولایات در تعیین نمایندگان مجلس عالی (پارلمان) است. قانون اساسی ازبکستان اجازه داده است که حکام ولایات و شوراهای استانی، شهری و محلات بتوانند برای مجلس عالی کاندید معرفی کنند. در انتخابات مجلس عالی در سال ۱۹۹۹ کاندیدهای معرفی شده توسط حکام ولایات و شوراهای شهری و ولایت ۱۱۰ کرسی از ۲۵۰ کرسی مجلس عالی را در اختیار گرفتند که از این تعداد ۷۵ نفر آنان حکام ولایات یا شهرها بودند. (۱۵)

قدرت فوق‌العاده رئیس جمهور که توسط هیچ نهاد دیگری موازنه نمی‌شود باعث

گردیده تا رئیس جمهور بتواند تمامی مخالفین و چالشگران خود را از صحنه سیاست بیرون کند. در سال ۱۹۹۲ اسلام کریم‌اف به راحتی موفق شد نه تنها شکرالله میرسعیدوف معاون اول رئیس جمهور را که از دوران شوروی دارای قدرتی هم طراز رئیس جمهور بود از صحنه قدرت کنار بگذارد بلکه از اساس پست معاون اولی رئیس جمهور را حذف کرد و عملاً تمامی قدرت را در شخص رئیس جمهور متمرکز نمود.

قانون اساسی ازبکستان مشروعیت نظام سیاسی ازبکستان را در انتخاب مستقیم رئیس جمهور توسط مردم و انتخابات پارلمان (مجلس عالی) با حضور احزاب متعدد می‌داند و دولت ازبکستان اصرار دارد که اعلام نماید تا شکند از مسیر انتخابات تک‌حزبی کمونیستی جدا شده و پارلمان ازبکستان از طریق انتخابات چندحزبی و چندکاندیدایی انتخاب می‌شود.

در آخرین دور انتخابات پارلمانی که در سال ۱۹۹۹ برگزار شد کرسی‌های پارلمان بین احزاب دموکراتیک خلقی ازبکستان (۴۸ کرسی) ترقیات وطن (۲۰ کرسی) عدالت (۱۰ کرسی) رستاخیز ملی (۱۰ کرسی) و فداکارها (۳۴ کرسی) توزیع گردید. ضمن آنکه ۱۱۰ کرسی در اختیار نامزدهای حکام ولایت و ۱۶ کرسی در اختیار افراد مستقل قرار گرفت. (۱۶)

وجود احزاب متعدد در پارلمان ازبکستان تغییری در نظام متمرکز این کشور ایجاد نمی‌نماید. این احزاب از چارچوب دستورالعمل‌های دولت خارج نشده و نقش اپوزیسیون قانونی را هم اجرا نمی‌نمایند و تمامی آنها نقش و جایگاه ویژه رهبری اسلام کریم‌اف را بطور رسمی پذیرفته‌اند.

به عنوان مثال، می‌توان به حزب فداکارها که در ژانویه ۱۹۹۹ و در زمان انتخابات به ثبت رسید اشاره نمود. این حزب کلیه سیاستهای اعلامی رئیس جمهور را به عنوان اهداف حزب به رسمیت شناخت و اعلام نمود که کاندیدای این حزب برای انتخابات رئیس جمهور در سال ۲۰۰۰ شخص اسلام کریم‌اف است. (۱۷)

توزیع آرای مردم بین احزاب ثبت شده تأثیری در روند تصمیم‌گیری‌های حکومت

ازبکستان ندارد و تمامی تصمیمات در دولت و توسط رئیس جمهور گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، توزیع آرای مردم بین احزاب مختلف در پارلمان صرفاً بحثی درون پارلمانی است و نقشی در تصمیمات دولتی ندارد.

با وجود آنکه قانون اساسی ازبکستان اجازه نداده است تا رئیس جمهور برای بیش از دو دوره متوالی رئیس جمهور شود اما اسلام کریم اف با استفاده از روشهایی موفق گردیده از سال ۱۹۹۱ تا کنون رئیس جمهور بلامنازع ازبکستان باشد.

کریم اف که در سال ۱۹۹۰ و در دوران شوروی رئیس جمهور ازبکستان شده بود در سال ۱۹۹۱ بدنبال استقلال ازبکستان در یک انتخابات مستقیم ریاست جمهور شرکت کرد و موفق شد تا از رقیب خود محمد صالح رهبر حزب دموکراتیک ارک پیشی بگیرد و به عنوان اولین رئیس جمهور ازبکستان مستقل انتخاب گردد.^(۱۸)

دوره پنج ساله اول کریم اف در ماه دسامبر ۱۹۹۶ به پایان می‌رسید اما پیش از آن در ماه مارس این سال طی یک همه‌پرسی عمومی دوره ریاست جمهوری کریم اف برای مدت ۴ سال تمدید گردید؛ بدون آنکه این ۴ سال به عنوان یک دوره محسوب شود. در پایان این مدت در ماه ژانویه سال ۲۰۰۰ انتخابات رئیس جمهوری ازبکستان برگزار شد و اعلام گردید که کریم اف موفق شده است بیش از ۹۰ درصد آراء را بدست آورد. در این دوره رقیب او عبدالحافظ جلال اف دبیر اول حزب دموکراتیک خلقی ازبکستان بود و ۵ درصد آراء را از آن خود نموده بود. وی در پایان انتخابات اعلام داشت که شخص خود او به کریم اف رأی داده بود.^(۱۹)

حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ تأثیر خاصی را در ازبکستان بجای گذاشت. دولت ازبکستان اعلام نمود که کشور در شرایط ویژه‌ای قرار گرفته است و ضرورت دارد تا به منظور حفظ ثبات در کشور دوره ریاست جمهوری کریم اف به مدت هفت سال تمدید گردد. در این زمان ارکین خلیل اف رئیس مجلس عالی ازبکستان اعلام نمود که ضروری است کریم اف به عنوان رئیس جمهور مادام‌العمر ازبکستان شناخته شود.^(۲۰) ولی در پایان به دنبال اعلام نتیجه referendum، دوره ریاست جمهوری ازبکستان تا سال ۲۰۰۷ تمدید گردید.

حذف مخالفین سیاسی

حذف مخالفین سیاسی روشی شناخته شده در تمام نظامهای اقتدارگرا است زیرا بدون حذف مخالفین سیاسی تمرکز قدرت امکانپذیر نیست. نیروهای سیاسی و ملی‌گرای ازبک در دوران شوروی خصوصاً در دوران استالین به شدت سرکوب می‌شدند به طوری که امروز گفته می‌شود تعداد افراد کشته شده یا تبعید شده ازبکستان در دوران شوروی به نسبت جمعیت خود چندین برابر دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی است.

بدنبال روی کار آمدن گورباچف و اعلام برنامه‌های اصلاحات وی و آزادی‌های سیاسی ناشی از گلاسنوست تحرکات سیاسی ملی‌گرایان ازبک به صورت چشمگیری افزایش یافت و موجب شکل‌گیری جنبش‌ها، حرکت‌ها و احزاب متعددی گردید که از مهمترین آنها می‌توان به دو حزب دنیوی (سکولار) جنبش مردمی وحدت (بیرلیک) و حزب دموکراتیک ارک و حزب دینی احیای اسلامی اشاره کرد که در آغاز دهه ۹۰ شکل گرفتند.

دو حزب بیرلیک و ارک که پرچمدار نهضت ملی ازبکستان شدند در سال ۱۹۹۰ و پیش از فروپاشی شوروی شکل گرفتند. این احزاب موضع مبهمی در خصوص جدا شدن از اتحاد شوروی داشتند و در حالی که شوروی را بخاطر استخراج منابع ازبکستان و آلودگی محیط زیست آن محکوم می‌کردند و شوروی را مسئول تحمیل نظام تک محصولی تولید پنبه در ازبکستان می‌دانستند، مع‌هذا قطع ارتباط با شوروی را به مصلحت نمی‌دانستند و جدا شدن از شوروی یا فروپاشی شوروی در زمره خواسته‌های آنها نبود.^(۲۱) تلاش اصلی این دو حزب در جهت تبلیغ برای احیای فرهنگ و زبان ازبکی متمرکز شده بود.

آنها رهبریت حزب کمونیست ازبکستان را که در آن زمان برعهده اسلام کریم‌اف بود نقد می‌کردند و مدعی بودند که حزب کمونیست در جهت ارتقای هویت ملی ازبکستان اقدامی نداشته است. درخواست برای اعلام زبان ازبکی به عنوان زبان رسمی ازبکستان^(۲۲) مهمترین شعار ملی‌گرایانه دو حزب یاد شده محسوب می‌شد و طرح دیگر خواسته‌های فرهنگی بستر

اصلی فعالیت‌های سیاسی دو حزب مذکور بود. در این زمینه فعالیت‌های محمد صالح رهبر حزب دموکراتیک ارک که همزمان دبیری اتحادیه نویسندگان ازبکستان را به عهده داشت هم بسیار تأثیرگذار بود. (۲۳)

پایگاه اجتماعی ارک و بیرلیک در بین روشنفکران، تحصیل‌کردگان و اقشار مختلف شهری بود و از جانب آنان حمایت می‌شدند. همین موضوع باعث شده بود که کریم‌اف نسبت به فعالیت‌های آنان حساس شد و آنان را چالشگران قدرت خود بداند. البته کریم‌اف می‌دانست که نمی‌تواند بطور مستقیم با شعارهای احزاب یاد شده برخورد کند لذا تلاش کرد تا بین این احزاب و شعارهایشان فاصله بیفکند.

کریم‌اف در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۱ تأکید ویژه‌ای بر احیای روحیه ملی که قبلاً شعار محمد صالح بود نمود. وی با طرح شعار «راه ازبکی» در انتخابات سال ۱۹۹۱ بطور آشکاری موفق شد تا شعارهای احزاب مخالف را از آن خود سازد (۲۴) و تمامی شعارهای ملی‌گرایانه و احیای فرهنگ ازبکی را در مجموعه‌ای به نام «درسه‌های راه ازبکی» برای ساختن یک ساختار دولتی مستقل مطرح نمود.

قبول برنامه‌های ملی احزاب مخالف به معنی تحمل احزاب مذکور نبود زیرا در زمانی که مبارزات انتخاباتی در جریان بود و احزاب مخالف مشغول برنامه‌های خود بودند مجموعه از قوانین مختلف توسط دولت به تصویب می‌رسد که محدودیت‌های ویژه‌ای را برای مخالفین دولت برقرار می‌کرد. این قوانین عبارت بودند از:

- قانون حمایت از اعتبار و حیثیت رئیس جمهور (مصوب فوریه ۱۹۹۱)

- قانون مؤسسات اجتماعی در ازبکستان (مصوب فوریه ۱۹۹۱)

- قانون رسانه‌ها (مصوب ژوئن ۱۹۹۱)

- قانون آزادی وجدان و سازمانهای مذهبی (مصوب ژوئن ۱۹۹۱)

قوانین یاد شده موانع جدی برای تشکیل احزاب مخالف و فعالیت‌های سیاسی مخالفین

ایجاد می‌کرد و بشدت رسانه‌ها را تحت کنترل دولت درمی‌آورد. ممنوعیت فعالیت احزاب اسلامی یکی از مفاد قانون آزادی وجدان و سازمانهای مذهبی بود. و قانون حمایت از اعتبار و حیثیت رئیس جمهور مانع از هرگونه نقد برنامه‌های رئیس جمهور می‌شد و سرانجام آنکه دو حزب ملی‌گرای ارک و بیرلیک که با اهداف ملی‌گرایانه و فرهنگی تشکیل شده بودند پس از مدتی تهاجم و فشار و حمله علیه رهبران آنان قادر به ادامه فعالیت سیاسی نشدند و رهبران این دو حزب از سال ۱۹۹۳ دستگیر و به اتهام تلاش برای ساقط کردن حکومت انتخابی محاکمه شدند و بسیاری از فعالان سیاسی هم با اتهام توهین به حیثیت رئیس جمهور روانه زندان گشتند.

همانگونه که گفته شد در کنار احزاب ملی‌گرای ارک و بیرلیک در سال ۱۹۹۱ در ازبکستان یک حزب اسلامی با نام حزب احیای اسلامی (حزب نهضت اسلامی) ازبکستان درخواست نمود تا در ژانویه ۱۹۹۱ کنگره حزب را برگزار کند که بلافاصله توسط مقامات ازبکستان با استناد به قانون آزادی وجدان و سازمانهای مذهبی که شکل‌گیری احزاب و مؤسسات عمومی را بر اساس مذهب ممنوع ساخته بود رهبران و درخواست‌کنندگان تشکیل کنگره دستگیر و زندانی شدند. (۲۵)

حزب احیاء اسلامی ازبکستان شاخه‌ای از یکی از حزب احیاء اسلامی شوروی (۲۶) بود که در دوران گورباچف و تحت تأثیر اصلاحات دوران گورباچف تشکیل شد. این حزب ابتدا به عنوان یک حزب سراسری در تمام شوروی شکل گرفت و با اجازه رسمی مقامات مسکو اولین کنگره خود را در نهم ژوئیه ۱۹۹۰ در شهر آستاراخان واقع در شمال دریای خزر برگزار نمودند. عباس کبدوف کمیته مرکزی حزب احیای اسلامی را در شهر قاضی پورت داغستان تشکیل داد و بعداً محمد بهاء‌الدین ریاست حزب را از جانب هیأت اجرایی (۱۸۳ نفر) شرکت‌کننده در کنگره حزب عهده‌دار شد. حزب احیاء اسلامی توسط یک شورای پانزده نفره از علما که توسط کمیته تشکیلات انتخاب می‌شد و مرکب از روحانیون سنتی و روشنفکران مذهبی بود اداره می‌گردید. فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های پانزده‌گانه آن از جمله جمهوری‌های

مسلمان‌نشین آسیای مرکزی و آذربایجان «حزب احیای اسلامی» اتحاد شوروی را که حزبی سراسری برای تمام مسلمانان شوروی بود تحت تأثیر خود قرار داد. این حزب بین جمهوری‌های مختلف مسلمان‌نشین تقسیم شد و مرکزیت حزب در مسکو منحل گردید. حاجی عبدالله آتایف (آتاوگلو) شاخه ازبکی حزب احیای اسلامی را بنیانگذاری نمود ولی بلافاصله مورد حمله نیروهای امنیتی ازبکستان قرار گرفت و مجبور شد علیرغم ممنوعیت اعلام شده به صورت پنهان و در قالب بسیج نیروهای مردمی و در همکاری با دو حزب ارک و بیرلیک فعالیت نماید. در اکتبر ۱۹۹۲ آتایف رهبر حزب احیای اسلامی ازبکستان فعالیت‌های حزبی خود را گسترش داد و طی مصاحبه‌ای اعلام نمود که حزب او خواستار دولتی اسلامی و توجه به قوانین شریعت در قانون اساسی ازبکستان است اما وی برای رسیدن به این هدف انقلاب را روش مناسبی برای رسیدن به هدف نمی‌داند و وی مبارزات سیاسی را بهترین روش برای اهداف حزب می‌داند. (۲۷) پس از این مصاحبه آتایف توسط نیروهای امنیتی ازبکستان دستگیر شد و دیگر تا به امروز از او هیچ خبری بدست نیامده است. (۲۸)

جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی

تعارض و تضاد حکومت با حرکت‌های اسلامی صرفاً محدود به اسلام سیاسی نبوده بلکه هر نوع حرکت دینی که نشان‌دهنده رویکرد اجتماعی به دین باشد حکومت ازبکستان نسبت به آن حساس است. هرچند حکومت خود می‌داند جداسازی سنت‌های ملی ازبکی از آموزه‌های اسلامی غیرممکن است و اسلام بخش تفکیک‌ناپذیر میراث فرهنگی ازبک‌هاست مع‌هذا رابطه دین و دولت در ازبکستان رابطه‌ای پیچیده و معماگونه است.

کریم‌اف همواره تأکید دارد که اسلام بخشی از میراث ازبک‌هاست و رکن اصلی هویت ملی ازبکستان را تشکیل می‌دهد. وی در مصاحبه‌ای با نشریه ازبکی خلق سوزی (صدای مردم) می‌گوید: اسلام در قلب زندگی ازبک‌ها قرار دارد و وجدان و اساس زندگی است و زندگی عادی همه مردم کشور را تشکیل می‌دهد. (۲۹)

دولت ازبکستان بلافاصله پس از استقلال، اعیاد قربان و فطر را به عنوان تعطیلات رسمی کشور به رسمیت شناخت و شخص کریم‌اف در دستورالعمل‌هایی به حکام ولایات آنها را به برگزاری جشنهای ویژه عید قربان و عید فطر تشویق نمود و بالاخره آنکه بزرگداشت امام محمد بخاری، امام ترمذی، خواجه بهاء‌الدین نقشبندی و دیگر بزرگان تاریخ اسلام از جمله مواردی بوده است که مورد تشویق و ترغیب حکومت ازبکستان بوده است و قسم به قرآن آئین اصلی مراسم سوگند ریاست جمهوری ازبکستان محسوب می‌شود.

ولی همانگونه که گفته شد دولت ازبکستان در مقابل قدرت‌گیری دین چه به لحاظ سیاسی یا اجتماعی و یا فرهنگی حساس است و آن را تحمل نمی‌کند. کنار گذاشتن مفتی محمد صادق از تشکیلات دینی ازبکستان در سال ۱۹۹۲ و تحویل اداره مفتیات به «مختارجان عبدالله البخاری» که به شدت از کریم‌اف دفاع می‌کند از جمله نمونه‌های بارز عدم تحمل قدرت دین توسط دولت است.

مفتی محمدصادق محمد یوسف که از اواخر حکومت شوروی و اوایل حکومت مستقل ازبکستان رهبری دینی جامعه ازبکستان را در دست داشت معتقد به جدایی دین از دولت بود و از قانون اساسی ازبکستان که به جدایی دین از دولت است حمایت می‌کرد^(۳۰) اما به جهت آن که دخالت دولت را هم در امور دینی نمی‌پذیرفت و از استقلال نهاد دین دفاع می‌کرد از جانب حکومت تحمل نشد و مجبور گردید در لیبی به حالت تبعید به سر برد.

حرکت اسلامی ازبکستان

در حالی که حکومت ازبکستان تمام فعالیت‌های سیاسی مخالف را سرکوب و هیچ فعالیت سیاسی مخالفی در کشور مشاهده نمی‌شد و با شدت تمام با حزب احیای اسلامی و طرفداران آن که خواستار فعالیت سیاسی بودند برخورد می‌کرد و اسلام سیاسی را تهدید اصلی حکومت می‌دانست ناگهان در ۱۶ فوریه ۱۹۹۹ شهر تاشکند پایتخت ازبکستان با یک سلسله

بمب‌گذاری‌های گسترده مواجه شد. این بمب‌گذاری‌ها به تشکیلات اسلامی جدیدی به نام «حرکت اسلامی ازبکستان»^(۳۱) نسبت داده شد.^(۳۲) همچنین، محمد صالح رهبر حزب دموکراتیک ارک نیز متهم شد که از طریق پرداخت ۵۰۰ هزار دلار به رهبران حرکت اسلامی ازبکستان در عملیات بمب‌گذاری شرکت داشته است.^(۳۳)

سابقه تشکیل حرکت اسلامی ازبکستان به همکاری دو جوان نمنگانی به نامهای طاهر یولداشف و جمعه خوجایف مشهور به جمعه نمنگانی باز می‌گردد. طاهر یولداشف یک روحانی غیررسمی بود که در دوران شوروی به مطالعات اسلامی مشغول بود و جمعه نمنگانی از سربازان اعزامی شوروی به افغانستان بود که در آنجا تحت تأثیر مجاهدین افغانی قرار گرفته و توانسته بود همزمان آموزشهای نظامی بالایی کسب کند. همزمان با استقلال ازبکستان جمعه‌بای و طاهر یولداشف همکاری خود را در سال ۱۹۹۲ در ساخت یک مسجد در شهر نمنگان آغاز کردند. شهردار نمنگان با ساخت مسجد مخالفت کرد که در مقابله با مخالفت شهردار عده‌ای از جوانان شهر نمنگان دفتر حزب کمونیست ازبکستان در نمنگان را اشغال کرده و بدنبال آن خواسته‌های مختلف اسلامی از جمله ضرورت اجرای احکام اسلامی مطرح گردید.

حکومت ازبکستان پس از مدتی کوتاهی مدارا با جوانان شهر نمنگان که تحت رهبری طاهر یولداشف اجرای احکام اسلامی را در کشور و در مرحله اول در دره فرغانه خواستار بودند اقدام به سرکوب آنان نمود. موج فشارهای اعمال شده در سال ۱۹۹۲ علیه فعالان اسلامی در دره فرغانه باعث شد بسیاری از آنان از جمله جمعه‌بای نمنگانی به تاجیکستان رفته به همراه مبارزان مسلمان تاجیکی که علیه حکومت دوشنبه می‌جنگیدند بپیوندند. جمعه نمنگانی در جنگ خود به همراه مبارزان تاجیکی تا آن اندازه ترقی کرد که یکی از فرماندهان به نام جبهه‌های جنگ داخلی تاجیکستان گردید. طاهر یولداشف به افغانستان، پاکستان و عربستان رفت و سرانجام در سال ۹۸ مجدداً با جمعه‌بای نمنگانی در افغانستان ملاقات نموده «حرکت اسلامی ازبکستان» را با هدف جهاد علیه کفار و ساقط کردن حکومت ازبکستان تأسیس نمودند.

ماهیت مخفی و چریکی حرکت اسلامی ازبکستان موجب می‌شود که تحلیلگران سیاسی به راحتی نتوانند اهداف این تشکیلات را تشریح کنند اما آنچه از مجموعه تعدادی از مصاحبه‌های طاهر یولداشف و افراد نزدیک به وی و چند اعلامیه حرکت برمی‌آید آن است که هدف اصلی حرکت اسلامی ازبکستان ساقط کردن حکومت ازبکستان از طریق عملیات مسلحانه و استقرار یک حکومت اسلامی براساس قوانین شریعت است.

اولین عملیات مسلحانه حرکت در فوریه ۱۹۹۹ در شهر تاشکند انجام شد پس از آن در اوت همین سال عده‌ای از رزمندگان این سازمان وارد خاک قرقیزستان شده و چهار مهندس ژاپنی را که در منطقه کار می‌کردند به گروگان گرفتند. یکی از افراد نزدیک به حرکت در توجیه این عمل اظهار می‌نماید که هدف آنان بی‌ثبات‌سازی قرقیزستان نیست بلکه آنان برای رسیدن به ازبکستان چاره‌ای جز عبور از خاک قرقیزستان ندارند.^(۳۴) براساس گفته‌های موجود حرکت اسلامی ازبکستان برای آزادی گروگانهای ژاپنی مبلغ یک و نیم میلیون دلار^(۳۵) از دولت ژاپن دریافت نمود.

دریافت پول در مقابل آزادی گروگانها هرچند قدرت نظامی «حرکت اسلامی ازبکستان» را نشان می‌داد اما از نظر حیثیتی ضربه بزرگی بر حرکت اسلامی ازبکستان بود. این رفتار آنان را در ردیف گروههای تروریستی قرارداد و به پایگاه اجتماعی این گروه که در مقابل دریافت پول عملیات گروگان‌گیری انجام می‌دادند ضربه سختی وارد نمود.

ضربه دیگری که به حیثیت حرکت اسلامی ازبکستان وارد شد ارتباط مستقیم این گروه با طالبان بود.^(۳۶) اعلام امیری جمعه‌بای در آسیای مرکزی توسط ملا عمر به معنای آن بود که نیروهای حرکت اسلامی ازبکستان به نمایندگی از طالبان اقدامات خود را دنبال می‌کنند و معنای دیگر آن فقدان هدف ملی توسط حرکت اسلامی ازبکستان بود.

این گروه عملیات دیگری را در ماه اوت سال ۲۰۰۰ در جنوب استان سرخان دریای ازبکستان آغاز کردند و در آن عملیات به چند پاسگاه نظامی ازبکستان حمله نمودند و گروه

کوچکی را جهت انجام چند عملیات نظامی به نزدیکی پایتخت اعزام نمودند اما با توجه به آمادگی نیروهای امنیتی ازبکستان و همکاری نیروهای امنیتی روسیه، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان این عملیات نیز به شکست انجامید و نیروهای شکست خورده به داخل خاک افغانستان عقب‌نشینی کردند.^(۳۷) حرکت اسلامی ازبکستان با عملیات تروریستی خود عملاً نتوانست تهدیدی جدی علیه ثبات حکومت ازبکستان باشد و ارتباط آنان با طالبان و القاعده منجر به آن شد که سرانجام این گروه در صف نیروهای طالبان علیه نیروهای احمدشاه مسعود به جنگ پرداختند و با شروع عملیات آمریکا علیه مواضع طالبان و القاعده پس از حوادث ۱۱ سپتامبر عمده نیروهای این سازمان از جمله جمعه‌نمگانی مورد حمله نیروهای آمریکایی قرار گرفته و کشته شدند^(۳۸) و بخش دیگری از نیروهای حرکت که به همراه طاهر یولداشف در مرزهای پاکستان با افغانستان بودند در مارس ۲۰۰۳ مورد حمله ارتش پاکستان قرار گرفتند که از سرنوشت آنان از جمله طاهر یولداشف خبر خاصی در دست نیست.

حزب التحریر اسلامی

از سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ حرکت اسلامی جدیدی در منطقه شکل گرفته که به نام حزب التحریر اسلامی با نام اختصاری حزب التحریر مشهور می‌باشد حزب التحریر در ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان فعال بوده و خود را به کشور خاصی محدود نکرده است. حزب التحریر علی‌رغم آنکه خود را یک حزب سیاسی می‌نامد بیشتر یک جریان ایدئولوژیک است و اولویت اصلی حزب تبلیغ امور دینی و تقویت اعتقادات اعضاء است.^(۳۹)

حزب التحریر یک جریان فراملی است و خود را در چارچوب هیچ نظام ملی محصور نمی‌نماید. این حزب ابتدا در سال ۱۹۵۳ توسط تقی‌الدین النبهانی در بیت‌المقدس از اخوان المسلمین فلسطین جدا شد. النبهانی یکی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه الازهر قاهره و مدرس دینی و قاضی دادگاههای حیفا و بیت‌المقدس بود. علت وجودی حزب التحریر از نظر

النبهانی تبلیغ ایدئولوژی اسلامی، احیای امت اسلامی و هدایت در منازعه با کفر و شرک برای آزادی از تسلط افکار قوانین و نظام‌های کفر و رهایی از عقاید تحریف شده بود.

این حزب مدعی است که شیوه فعالیتش را از مراحل زندگی پیامبر اسلام (ص) در مکه و مدینه الهام گرفته است به عقیده النبهانی تنها راه احیای روش زندگی اسلامی و تأسیس خلافت اسلامی رساندن پیام و تعالیم اسلامی به تمام مناطق جهان برای ایجاد آگاهی عمومی در مورد اسلام است. بیشترین فعالیت حزب التحریر در آسیای مرکزی در ازبکستان متمرکز است و پس از آن در تاجیکستان بیشترین هواداران را دارد. تشکیلات رهبری حزب مخفی است اما این حزب تشکیلات سطوح پایین حزبی را مخفی نمی‌سازد و هواداران این حزب از آشکارسازی رابطه خود با تشکیلات حزبی انبایی ندارند به همین جهت تعداد زیادی از افراد منتسب به حزب التحریر در ازبکستان و تعداد کمتری در تاجیکستان بازداشت شده و در زندان به سر می‌برند. حزب التحریر در مقابل اتهام حکومت ازبکستان که این حزب را به دست داشتن در بمب‌گذاری و دیگر عملیات نظامی متهم ساخته از خود دفاع نموده و حرکت خود را حرکتی سیاسی و ایدئولوژیک می‌داند. هرچند بطور آشکار و صریح حکومت اسلام کریم‌اف را حکومتی فاسد و ضداسلامی می‌داند و هدف صریح خود را تشکیل خلافت اسلامی اعلام می‌کند.

حزب التحریر عملیات نظامی حرکت اسلامی ازبکستان و دیگر عملیات تروریستی را رد می‌کند و معتقد است که تا زمانی که امت صالحی تشکیل نشود امکان تشکیل حکومت اسلامی (خلافت اسلامی) ممکن نیست. از نظر حزب التحریر وظیفه مسلمانان قبل از آنکه وارد حکومت شوند آن است که شرایط حکومت اسلامی را فراهم آورند. (۴۰)

جنبش‌های توده‌ای - واقعه اندیجان

اعتراضات توده‌ای مرحله جدیدی از شکل‌گیری مبارزه و مقاومت در ازبکستان محسوب می‌شود که واقعه اندیجان یکی از نمونه‌های آن است. البته باید این نکته را یادآور شد که واقعه

اندیجان یک حادثه منحصر به فرد نیست بلکه تظاهرات مشابه آن در مناطق مختلف ازبکستان در اعتراض به قوانین و مقررات اقتصادی وضع شده توسط دولت و مسائل مختلف اقتصادی، از جمله محدودیتهای مربوط به تجارت مرزی با قرقیزستان و کنترل مراکز فروش توسط دولت و مقررات بانکی وجود داشته است که این اعتراضها و تظاهرات از طرف دولت کنترل شده بود اما واقعه اندیجان به دلایلی که ذکر خواهد شد از کنترل دولت خارج و کشتار شدیدی رخ داد.

از جمله تظاهرات توده‌ای قبل از واقعه اندیجان می‌توان به اعتراضات مردمی در مرغیلان، گل بهار، اندیجان (۱۰ سپتامبر ۲۰۰۴)، خوقند (۱ نوامبر ۲۰۰۴)، جیزاغ و بخارا (فوریه ۲۰۰۵) اشاره کرد. وجه مشترک تمامی این حرکات اعتراض به شرایط سخت اقتصادی و مقررات وضع شده توسط دولت است که از نظر مردم ناعادلانه توصیف می‌گردد.^(۴۱)

در این مجموعه آنچه در اندیجان اتفاق افتاد به جهت تعداد کشته‌ها و حادثه‌ها و توجه جامعه جهانی به واقعه ابعاد خاصی پیدا کرد. از جانب مقامات دولتی علیه بوجود آورندگان واقعه اندیجان اتهامات زیادی وارد شد اما آنچه مسلم است واقعه اندیجان مشابه جنبش‌های توده‌ای بوده و با حرکت یک حزب و سازمان متفاوت بوده است.

اسلام کریم‌اف رئیس جمهور ازبکستان در مصاحبه خود با رسانه‌های گروهی که در تاریخ ۱۴ مه ۲۰۰۵ در شهر تاشکند برگزار شد به تفصیل درباره واقعه اندیجان صحبت کرد و شروع حادثه را به شب ۱۲ مه و صبح ۱۳ مه مربوط دانست و اظهار داشت^(۴۲) که ساعت ۳۰ دقیقه بامداد ۱۳ مه یک گروه مسلح ابتدا به یک واحد پلیس حمله برده و بعد یک پاسگاه نظامی را خلع سلاح کردند و به زندان شهر اندیجان حمله بردند. مهاجمین پس از تخریب زندان و آزاد کردن زندانیان که در بین آنها تعداد زیادی از تروریست‌های خطرناک وجود داشت ساختمان حکومت محل (حاکمیت) را به محاصره خود درآوردند و پس از آن اداره امنیت ملی را تصرف کرده ساختمان آن را تخریب نمودند.

رئیس جمهور ازبکستان با بیان این نکته که وی ساعت ۷:۳۰ صبح ۱۳ مه شخصاً در

اندیجان حضور داشته چگونگی سازماندهی ارگانهای مسئول را برای مدیریت بحران شرح داده می‌گوید جنایتکاران ساختمان اداری محل را تحت کنترل خود قرار داده و تعداد زیادی از افراد پلیس و کارکنان حکومت را به گروگان گرفتند و در بالای ساختمان و ساختمانهای مشرف به آن مسلسل سنگین مستقر کرده بودند. من دستور دادم که بیشترین تلاش صورت گیرد تا از طریق مذاکره مشکل حل شود و ذاکرجان اولماتف وزیر کشور و سیدالله بیگ علی‌اف رئیس حکومت محلی مسئول مذاکره با اشغالگران شدند و تلاش نمودند تا خواسته آنان مشخص گردد. ما به آنها پیشنهاد کردیم که اتوبوسهایی را در اختیار آنها قرار دهیم و تضمین کنیم که به هر جایی خواهند بروند و آمادگی خود را برای رسیدگی به مشکلات آنها اعلام کردیم. در ابتدا کسی که از طرف اشغالگران ساختمان مذاکره می‌کرد موافقت نمود که شهر را ترک کنند و خواستار آزادی ۶ نفر از هم‌قطاران خود شد ما با این خواسته موافقت کردیم اما آنها پس از یک مکالمه تلفنی خواسته‌های خود را افزایش داده خواستار آزادی تعداد دیگری از زندانیان تاشکند و دیگر مناطق ازبکستان شدند که ما نمی‌توانستیم با این خواسته آنان موافقت کنیم.

رئیس جمهوری ازبکستان در توضیح دلیل عدم موافقت خود با درخواست گروگانگیران در مصاحبه خود با خبرنگاران اظهار نمود: اگر ما این درخواست را می‌پذیرفتیم تنش و بحران به سراسر ازبکستان گسترش می‌یافت. فردا آنان یک مدرسه یا یک بیمارستان را همانند آنچه در چچن اتفاق افتاد اشغال کرده و با گروگانگیری خواسته‌های خلاف قانون اساسی را مطرح می‌ساختند موافقت با این خواسته آنان به معنی قبول گسترش بحران در کشور بود و این موضوع را هیچ کشوری در جهان نمی‌پذیرد.

کریم‌اف با بیان این نکته که اشغالگران ساختمان حکومت محلی با افغانستان و قرقیزستان در تماس بودند و مرتب خواسته‌های سیاسی خود را افزایش می‌دادند گروگانگیران را وابسته به حزب التحریر معرفی کرد و هدف نهایی آنان را از این عملیات اجرای سناریویی مشابه آنچه در قرقیزستان اتفاق افتاد دانست. رئیس جمهور ازبکستان اضافه کرد که اشغالگران

ساختمان در تماس با نزدیکان خود در اندیجان و دیگر نواحی نزدیک به آن درخواست می‌کردند تا به اندیجان آمده و در گرد ساختمان حاکمیت جمع شوند و برای آنان یک سپر انسانی درست کنند. آنان می‌خواستند با این عمل خود اندیجان را به تصرف درآورده و مانند اپوزیسیون قرقیزستان که از اوش و جلال‌آباد به سمت بیشکک رفته و پایتخت را تصرف کردند از اندیجان به سمت تاشکند آمده و پایتخت را به تصرف خود درآورند.

کریم‌اف در مصاحبه خود اظهار می‌دارد که او به عنوان رئیس جمهور بحران را از نزدیک تحت نظر داشت و از ساعت ۱۳ تا ۱۸ وی اجازه نداد نیروهای امنیتی به ساختمان نزدیک شوند و تلاش نمود به طریق مسالمت‌آمیز بحران را حل کند ولی وقتی که شب نزدیک می‌شد تصمیم گرفته شد تا به ساختمان نزدیکتر شویم. در حدود ساعت ۱۹:۳۰ وقتی گروگانگیران متوجه شدند که نیروهای امنیتی و پلیس به ساختمان نزدیکتر شده‌اند تصمیم گرفتند تا با شکستن حلقه محاصره در سه مسیر مختلف از ساختمان خارج شده و گروگان‌ها و مردم عادی را به عنوان سپر انسانی استفاده کنند؛ اما در مسیر حرکت، آنها به سمت پلیس شلیک کردند و به این طریق واقعه اسفناک اندیجان بوقوع پیوست. (۴۳)

در نتیجه درگیری‌های اندیجان بنابه اعلام مقامات رسمی ازبکستان ۱۶۹ نفر کشته شدند که از این تعداد ۳۲ نفر نیروهای پلیس و کارکنان دولتی بودند. در این خصوص رشید قادراف دادستان کل ازبکستان در مصاحبه‌ای با رسانه‌های گروهی در ۱۷ مه ۲۰۰۵ اعلام داشت: «در نتیجه این عملیات تروریستی ۱۶۹ نفر کشته شدند که ۳۲ نفر از آنان نمایندگان نیروهای حکومتی بودند. متأسفانه افراد بی‌گناهی هم در بین گروگان‌ها بودند که توسط تروریست‌ها کشته شدند و اینها شامل ۳ زن و ۲ کودک می‌شود». (۴۴)

آنچه گفته شد نظرات رسمی دولت ازبکستان در خصوص حوادث اندیجان است که با نظرات منابع بی‌طرف و شاهدان عینی تفاوت بسیار زیادی دارد. در تحقیق مفصلی که گروه بین‌المللی (مطالعه) بحران‌ها دربارهٔ حادثه اندیجان به نقل از شاهدان عینی نموده است دلیل

شروع درگیری‌ها، چگونگی افزایش تنش، درگیری‌ها و تعداد کشته‌شدگان و زخمی‌ها با آنچه رئیس‌جمهور ازبکستان و دیگر مقامات رسمی ازبکستان اعلام کرده‌اند تفاوت بسیاری دارد.^(۴۵) این تفاوت‌ها را می‌توان در سه مقطع مختلف مورد بررسی قرار داد:

مقطع اول: مقدمات درگیری

مقامات رسمی ازبکستان شروع درگیری‌ها را از حمله به زندان شهر اندیجان و مقرر حکومت محلی می‌دانند در حالی که شاهدان عینی دلایل مربوط به شروع درگیری‌ها را به ماه‌ها قبل مربوط می‌دانند و ریشه درگیری‌ها را به سال‌ها قبل می‌رسانند.

اکرم یولداشف که معلم ریاضی مدارس شهر اندیجان بود در سال ۱۹۹۲ جزوه‌ای به نام «راه حق»^(۴۶) منتشر نمود و در آن به تشریح عقاید خود پرداخت. یک بخش از دیدگاه‌های یولداشف دربارهٔ این نکته بود که تجار مسلمان باید بجای رقابت با یکدیگر همکاری کنند و از امکانات مالی خود برای امور خیریه استفاده کنند تا سعادت دنیا و آخرت را به دست آورند.

اکرم یولداشف در سال ۱۹۹۳ به اتهام وابستگی به حزب التحریر دستگیر شد و مدتی را در زندان گذراند و پس از آزادی مجدداً در فوریه ۱۹۹۹ بدنبال حوادث بمب‌گذاری تاشکند دستگیر و زندانی شد و تاکنون در زندان است. اتهام او افراط‌گرایی است و کتاب (جزوه) راه حق او سند مجرمیت اوست؛ زیرا جزوه مذکور از جانب کمیته دولتی روابط دینی به عنوان یک جزوه افراط‌گرایانه شناخته شده است.

در ماه‌های ژوئن و اوت سال ۲۰۰۴ نیروهای امنیتی ازبکستان ۲۳ بازرگان جوان اندیجانی را که در کنار فعالیتهای تجاری خود کارهای عام‌المنفعه‌ای چون کمک به یتیمان و افراد مسن، کمک به آموزش افراد فقیر و پرداخت کمک هزینه به کارکنان «صندوق‌های قرض‌الحسنه» داشتند دستگیر شدند. اولین اتهام این عده ابتدا اخلال در امور اقتصادی، عدم پرداخت مالیات و کارهای خلاف اقتصادی عنوان شد اما بعداً اتهامات آنان سیاسی و وابستگی به

گروه‌های افراطی، حزب‌التحریر و مشخصاً عضویت در گروهی به نام «اکریمه»^(۴۷) یعنی طرفداران اکرم یولداشف شد.

دادگاه این افراد در فوریه ۲۰۰۵ آغاز شد و هنگامی که دادگاه، رسیدگی به پرونده اتهامی این افراد را در شهر اندیجان آغاز نمود و ابستگان، آشنایان و دوستان تجار جوان در کنار دادگاه تجمع نموده و پلاکاردهایی را در دست می‌گرفتند که بر روی آنها دلایل بی‌گناهی این افراد نوشته شده بود. در این تجمع هیچ خواسته‌ای از طریق صدا و سخنرانی مطرح نمی‌شد و فقط پلاکارد حمل می‌گردید.

باگذشت زمان و طولانی شدن روند دادگاه تعداد افراد تجمع‌کننده در کنار دادگاه افزایش یافت و در نیمه اول ماه مه تعداد این افراد از مرز سه هزار نفر گذشت. تأکید تجمع‌کنندگان بر این نکته بود که ۲۳ متهم دادگاه نه تنها هیچ کار غیرقانونی انجام نداده‌اند بلکه اقدامات آنان موجب توسعه اقتصادی منطقه شده است.^(۴۸) تجمع‌کنندگان همچنین اعلام می‌داشتند که آنان مخالف دستگیری وهابی‌ها و افراطیون و اعضای حزب‌التحریر نیستند ولی نمی‌توانند قبول کنند که این عده از تجار جوان وابسته به افراط‌گرایان باشند آنان فقط افراد خیر جامعه هستند که اقدامات انسان‌دوستانه داشته‌اند.^(۴۹)

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

مقطع دوم: شروع درگیری‌ها

در حالی که تظاهرات آرام مردم اندیجان چند ماه در کنار دادگاه ادامه یافته بود به موازات مشخص شدن رأی دادگاه تنش در حال افزایش بود زیرا مردم نمی‌پذیرفتند که برای این عده مجازات سنگینی در نظر گرفته شود. به جهت شرایط خاصی که بوجود آمده بود دادستان کل اندیجان اعلام کرد که او یکی از مجازات‌های سخت را کنار گذاشته و سه نفر را آزاد خواهد کرد و دادگاه هم اعلام کرد که نتیجه دادگاه یک هفته به تأخیر می‌افتد.

اما همزمان نیروهای امنیتی شهر اقدام به دستگیری عده‌ای از تظاهرکنندگان نمودند.

بدنبال این دستگیری‌ها در ۱۲ ماه مه عده زیادی از بستگان دستگیرشدگان به خیابانها آمده و به کیوسکهای پلیس راهنمایی و رانندگی حمله کردند و یک پاسگاه پلیس نیز مورد حمله قرار گرفت و اسلحه‌های آن بدست حمله‌کنندگان افتاد. دامنه شورش روبه افزایش گذاشت تا اینکه شنیده شد یک گروه مسلح به زندان شهر حمله کرده و افراد زندانی شده را آزاد نموده است.

با انتشار خبر حمله به زندان شهر صبح روز ۱۳ مه جمعیت ساختمان مقرر حکومت محلی (حاکمیت) را محاصره کرد. عده‌ای به نمایندگی از تظاهرکنندگان از ذاکرجان اولماتوف وزیر کشور ازبکستان که جهت اطلاع از درخواستهای تظاهرکنندگان به آنجا آمده بود درخواست می‌نمایند که جهت روشن شدن حقیقت، اکرم یولداشف در دادگاه حاضر شود و اعلام نماید که آیا این عده از افراد او هستند یا خیر و اگر مشخص شد که این افراد طرفداران او نیستند آزاد شوند. وزیر کشور ابتدا این درخواست را می‌پذیرد اما (پس از مذاکره با اسلام کریم‌اف) بعداً با این خواسته مخالفت کرده اعلام می‌نماید که تنها چیزی که او می‌تواند قبول کند اجازه دادن به استفاده از یک کریدور جهت خروج افراد به سمت قرقیزستان است. ولی این درخواست وزیر کشور از طرف مقابل پذیرفته نمی‌شود. زمان به‌سرعت سپری شده و در غروب ۱۳ مه نیروهای نظامی ازبکستان با تمام قوا وارد شهر می‌شوند و بنابه اظهارات شاهدان عینی با تارک شدن هوا نیروهای نظامی بدون مقدمه مردم مقابل ساختمان حکومت را مورد هجوم قرار می‌دهند و به این طریق فاجعه اندیجان شکل می‌گیرد.

مقطع سوم: پس از درگیری‌ها

منابع مستقل و شاهدان عینی تعداد کشته شدگان را بیش از هزار نفر ذکر می‌کنند هرچند که از جانب منابع مختلف تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها متفاوت اعلام می‌شود ولی آنچه در همه آنها مشترک است فاصله تعداد کشته شده‌ها با تعداد ۱۶۹ کشته اعلام شده توسط مقامات رسمی است. یکی از افراد حزب دهقانان آزاد (ثبت نشده) اعلام می‌دارد که اعضای این حزب از طریق مراجعه به درب منازل شهر اندیجان تلاش نموده آمار واقعی کشته‌شدگان را بدست آورد

که آنها موفق شده اند اسامی ۷۴۵ نفر شامل ۵۴۲ نفر از اندیجان و ۲۰۳ نفر از پخته آباد (پنبه آباد) را با مشخصات کامل ثبت کنند. (۵۰)

به غیر از تعداد زیاد کشته‌ها و زخمی‌ها عده دیگری از تظاهرکنندگان و زندانیان رهایی یافته به سمت شهر مرزی قره‌سو در قرقیزستان حرکت کرده وارد این شهر شدند و از جانب کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل به عنوان پناهنده شناخته شدند. ملاحظه می‌شود که بین روایات و گفته‌های مقامات دولتی با گفته‌های دیگر منابع که بر اساس نقل قول شاهدان عینی گزارش‌های خود را تنظیم کرده‌اند فاصله زیادی وجود دارد که هر دو روایات به اختصار و بدون تشریح جوانب مختلف حادثه و ذکر جزئیات واقعه نقل گردید. (۵۱)

حادثه اندیجان بازتاب‌های خارجی فراوانی داشت که از مهمترین آنها می‌توان به مواضع روسیه، چین، آمریکا و انگلیس (مجموعه غرب) اشاره کرد. روسیه در ابتدای درگیری‌ها با طرح این موضوع که بحران بوجود آمده یک بحران داخلی است و روسیه در مسائل داخلی از بکستان دخالت نمی‌کند عملاً دست از بکستان را در سرکوب تظاهرات باز گذاشت. مسئله مهم دیگر در موضعگیری‌های روسیه این نکته است که روسیه مدعی است آنچه در اندیجان اتفاق افتاده نتیجه نفوذ عده‌ای از خاک افغانستان به منطقه درگیری است. سرگئی لاروف وزیر خارجه روسیه اعلام نمود که حوادث اندیجان قبلاً طراحی شده بود و عده‌ای از بین طالبان در این حادثه دست داشته‌اند. (۵۲) این موضع روسیه به شدت از جانب دولت افغانستان مورد انتقاد قرار گرفت و سخنگوی رئیس‌جمهور افغانستان خواستار تصحیح موضع روسیه گردید.

چین با طرح این موضوع که رویداد از بکستان ناشی از فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه است عاملان حادثه را محکوم کرد و اولین کشوری بود که پس از واقعه اندیجان بطور رسمی از سفر اسلام کریم‌اف به پکن استقبال کرد.

آمریکا و انگلیس و اتحادیه اروپا ابتدا موضع انتقادی نرم‌تری داشتند اما به مرور که ابعاد واقعه روشن‌تر شد مواضع آنان سخت‌تر شد و خواستار آن شدند که یک گروه حقیقت‌یاب بین‌المللی بطور مستقل به منطقه سفر کرده درباره واقعه گزارش مستقلی تهیه کند. این

درخواست آمریکا و انگلیس از طرف دولت ازبکستان رد شد و حتی سه نفر از سناتورهای آمریکایی که جهت کسب اطلاعات بیشتر دربارهٔ واقعه اندیجان به تاشکند سفر کرده بودند از جانب هیچ مقام ازبکی پذیرفته نشدند. (۵۳)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مطالعه تاریخ هشتاد ساله ازبکستان از بدو تشکیل در سال ۱۹۲۴ تا استقلال در ۱۹۹۱ و از استقلال تا امروز یک نکته خاص و شایان توجه را می‌توان استنباط کرد و آن مسأله «قدرت» است. از همان بدو تشکیل این کشور ازبکستان به عنوان قدرت برتر در آسیای مرکزی شناخته شد و طبیعی است که یک کشور، قدرتمند بدون وجود یک قدرت متمرکز اداره‌کننده قادر به حفظ موجودیت خود نمی‌شود.

استقلال ازبکستان در سال ۱۹۹۱ تغییری در سنت تمرکزگرایی قدرت در این جمهوری ایجاد نکرد و ساختارهای بجای مانده از دوران شوروی با توجه به فرهنگ سیاسی کمونیستی تسلط یافته تحت عنوان راه ازبکی و با همان روشهای گذشته اداره کشور را برعهده گرفتند و در مدت کوتاهی پس از استقلال تمامی حرکت‌های سیاسی مخالف دولت را از صحنه سیاسی بیرون راندند. عدم وجود فضای مناسب برای فعالیتهای سیاسی موجب شد تا حرکت‌های رادیکال با استفاده از اعتقادات اسلامی توده‌های مردم شکل بگیرند و با روشهای تخریبی بخواهند فضای سیاسی کشور را تغییر دهند. گروه‌های رادیکال به جهت توانایی دستگاه‌های امنیتی کشور و ناتوانی ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی خود و از همه مهمتر فضای بین‌المللی ضدتروریستی که به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر بوجود آمد به بن بست رسیدند.

بررسی شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه ازبکستان نشان‌دهنده آن است که اوضاع ازبکستان بحرانی است و احتمال وقوع جنبش‌های توده‌ای نظیر آنچه در اندیجان اتفاق افتاد زیاد است. زیرا همانگونه گفته شد واقعه اندیجان در ادامه مجموعه‌ای از تظاهرات توده‌ای شهرهای مختلف اتفاق افتاد و پس از اندیجان هم در قره‌سو و دیگر نواحی ازبکستان شاهد

اعتراضات توده‌ای هستیم. آنچه مسلم است به جهت آنکه اکثریت مردم ازبکستان مسلمان هستند و جامعه ازبکستان بیشتر روستایی بوده و سنت‌های ملی-اسلامی در این کشور ریشه‌دار است حرکت‌های توده‌ای در بستر باورها و اعتقادات اسلامی مردم صورت می‌گیرد.

نیروهای امنیتی و اطلاعاتی کشورها می‌توانند در مقابل گروه‌ها و سازمان‌های جدا از مردم ایستادگی کنند و با حرکت‌های آنان مقابله کنند ولی وقتی جنبش توده‌ای شد و خواسته‌های اولیه مردم در مسائل اقتصادی-سیاسی و اجتماعی در این جنبش‌ها مطرح شد دیگر دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی قادر نخواهند بود در مقابل این جریان ایستادگی کنند و فقط نظام سیاسی است که می‌تواند با تصمیمات سیاسی خود این بحران‌ها را مدیریت کند.

جنبش‌های توده‌ای فقط با تصمیمات سیاسی قابل مدیریت است و در حال حاضر ازبکستان با چنین وضعیتی روبرو است. نظام سیاسی ازبکستان یا باید با انجام اصلاحات شرایط بحرانی کشور را از بین ببرد یا در صورت عدم انجام اصلاحات بطور جدی با انقلاب روبرو خواهد شد. آقای اسلام کریم اف در مصاحبه خود با رسانه‌های گروهی پس از واقعه اندیجان می‌گوید: ... من بطور اصولی مخالف انقلاب هستم و طرفدار اصلاحات می‌باشم. تمام تحولات باید در یک روند قوانین عینی که در جهان وجود دارند تغییر یابند. این قواعد و قوانین را آیا کسی می‌تواند رد کند؟ ... آیا می‌شود از یک مرحله نظم اجتماعی به مرحله دیگر جهش کرد؟ ... و از یک نظام برده‌داری ناگهان به نظام سرمایه‌داری رسید؟ (۵۴)

اما این اصلاحات چگونه باید باشد؟ با نگاهی به مجموعه تمام مصاحبه‌ها و موضع‌گیری‌های رسمی رئیس جمهور و دیگر مقامات ازبکستان از بدو استقلال تاکنون یک موضوع همواره تکرار شده است. ازبکستان کشور ویژه‌ای است لذا راه خاص خود را برای رسیدن به دموکراسی و پیشرفت انتخاب کرده است. شرایط خاص ازبکستان در حال حاضر ایجاب می‌کند که این «راه خاص ازبکی» در مسیر انجام اصلاحات واقعی قرار گیرد در غیر این صورت جنبش‌های توده‌ای راه ازبکی دیگری را انتخاب خواهند کرد.

یادداشت‌ها

۱. سه جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در سال ۱۹۱۸ پس از سقوط نظام تزاری برای مدت کوتاهی استقلال خود را اعلام کردند. در این فاصله بلشویک‌ها در داخل نظام سیاسی این سه جمهوری با کمک روسیه که رهبریت بلشویک‌ها را در دست داشت قدرت را در اختیار خود گرفتند و پس از آنکه این سه جمهوری خود را شوروی اعلام کردند در نوامبر ۱۹۱۸ فدراسیون جمهوری شوروی ماورای قفقاز را تشکیل دادند که این فدراسیون یکی از ارکان تشکیل اتحاد جماهیر شوروی گردید. برای اطلاعات بیشتر در مورد فدراسیون جمهوری‌های ماورای قفقاز مراجعه شود به: سرژ آفانسیان، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان از استقلال تا استقرار رژیم شوروی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: انتشارات معین، ۱۳۷۰.
۲. استالین، مجموعه آثار، جلد ۵، صفحه ۱۵۱، به نقل از: لاریسانیکولایوا، نایجستان تحولات سیاسی-اجتماعی در یکصد سال اخیر، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۷.
۳. برای اطلاعات بیشتر در مورد چگونگی سقوط خوارزم و بخارا به منابع ذیل مراجعه شود:
- لاریسانیکولایوا، نایجستان، تحولات سیاسی-اجتماعی در یکصد سال اخیر. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۰.
- باباجان غفوروف، تاجیکان، دو جلد، دوشنبه: عرفان، ۱۹۹۷م، ۱۳۷۷. چاپ شده با حروف فارسی در سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.
۴. جمهوری قزاقستان ابتدا با نام اولیه جمهوری شوروی سوسیالیستی قرقیزستان در بخشی از سرزمین سابق ترکستان تشکیل گردید.
۵. استان خودمختار قراقریز بعداً با نام جمهوری شوروی سوسیالیستی قرقیزستان از روسیه جدا گردید.
۶. متن بیانیه م. کالینین رئیس کمیته مرکزی اجرایی حزب کمونیست شوروی در خصوص تشکیل جمهوری‌های آسیای مرکزی به شرح زیر است:
- جهت اجرای خواست کارگران و دهقانان مردم ازبک به مردم ازبک اجازه داده می‌شود که از جمهوری خودمختار ترکستان خارج شده و جمهوری شوروی سوسیالیستی ازبکستان را تأسیس کنند.
- جهت اجرای خواست کارگران و دهقانان قرقیز به مردم قرقیز اجازه داده می‌شود که جهت پیوستن به قرقیزهای جمهوری شوروی قرقیزستان از جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی ترکمنستان خارج شوند.
- جهت اجرای خواست کارگران و دهقانان ترکمن به مردم ترکمن اجازه داده می‌شود از جمهوری خودمختار ترکستان خارج شده و جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان را تأسیس کنند.
- جهت اجرای خواست کارگران و دهقانان قراقیز به مردم قراقیز اجازه داده می‌شود که از ترکستان خارج شده استان خودمختار قراقیز را در داخل روسیه تأسیس کنند.
- جهت اجرای خواست کارگران و دهقانان تاجیک به مردم تاجیک اجازه داده می‌شود که از جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی ترکستان خارج شده و در داخل جمهوری ازبکستان

جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی تاجیکستان را تأسیس کنند.

۲۴ اکتبر ۱۹۲۴ - م - کالینین - رئیس کمیته اجرایی کل روسیه

۷. در نقشه‌های شوروی پس از سال ۱۹۲۵، جمهوری مردمی بخارا به عنوان واحدی مستقل رسماً حذف شد و مناطق آن بین جمهوری‌های جدید تقسیم گردید؛ ولی می‌توان گفت که از امارت سابق بخارا ازبکستانی شکل گرفت که بر سرزمین‌ها و جمعیت بخارای تاریخی حاکم می‌شد. هرچند بخشهایی از بخارای تاریخی به ترکستان منتقل شد و بخشهایی هم که بخارای شرقی نام داشت جمهوری خودمختار تاجیکستان را تشکیل داد که بعداً مستقل شد اما در مقابل، سرزمین و جمعیت خانات خیره و خوارزم را از آن خود کرد.

۸. قدرت جمهوری ازبکستان در ابتدای تشکیل به گونه‌ای است که میخائیل کالینین در ۲۵ فوریه ۱۹۲۵ در کنگره احزاب کمونیستی اتحادجمهوری شوروی اظهار می‌دارد:

... طبیعتاً ازبکستان باید در منطقه نقش مهمی را ایفاء کند. شاید حتی بتوان گفت نقش پیشوایی.

رفقا! چنین نقشی نباید از چشم رهبران کمیته مرکزی حزب کمونیست ازبکستان پوشیده بماند. من این نقش را شایسته آنها می‌دانم. مطمئناً ازبکستان به قدر کافی از توان فرهنگی بالا، امکانات مادی بسیار خوب، جمعیت کثیر و همچنین ثروتمندترین خطه برخوردار است. عقیده دارم که اجرای نقش برتر در منطقه آسیای مرکزی خواستی طبیعی و انتظاری صحیح است. اما رفقا اگر بنابه اجرای نقش برتر در منطقه باشد کاملاً طبیعی است که بگویم فقط با کار زیاد، سخاوتمندی و تلاش فراوان و از خودگذشتگی برای جمهوری‌های همجوار به این هدف نایل خواهیم شد. زیرا وقتی قوی و نیرومند باشید نهایت وقار نسبت به این جمهوری‌ها از شما انتظار می‌رود. خلاصه کلام اینکه باید با آنها در ارتباط باشید همانطور که مسکو با شما در ارتباط است.

به نقل از: دونالد کارلیزل، جغرافیای سیاسی و معضلات قومی ازبکستان و همسایگانش، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۷۵، ص ۹۵.

9. Pravda Vostoka, 20 August 1991, p.1.

۱۰. اسلام کریم اف در سال ۱۹۳۸ در شهر سمرقند بدنیا آمد. زندگی سیاسی وی به گونه‌ای نبود که نشان دهد وی در رأس هرم قدرت ازبکستان قرار خواهد گرفت. وی تکنوکراتی اقتصادی بود که عمر خود را در سازمان برنامه‌ریزی مرکزی اقتصاد می‌گذراند. وی در سال ۱۹۸۶ به مقام وزیر دارایی ازبکستان رسید در حالی که سابقه فعالیت حزبی زیادی نداشت و تا این سال در هیچ کنگره حزبی شرکت ننموده بود. مدت کوتاهی پس از وزارت، وی پست خود را از دست داد و به استان دورافتاده استان خودمختار کاشکا - دریا تبعید شد ولی در سال ۱۹۸۹ مجدداً به تاشکند بازگشت و مورد حمایت مسکو قرار گرفت. او در ژوئن ۱۹۸۹ دبیر اول حزب کمونیست ازبکستان شد و در مارس ۱۹۹۰ به سمت رئیس جمهور ازبکستان برگزیده شد.

11. Pravda Vostoka, 21 August 1991, p.1.

12. Pravda Vostoka, 18 September 1991, p.1.
13. Pravda Vostoka , 2 November, 1991, p.1
۱۴. قانون اساسی جمهوری ازبکستان، متن انگلیسی این قانون را می‌توان در سایت ذیل بدست آورد:
<http://www.umid.u2/main/uzbekistan/constitution>.
15. Eurasianet Election Monitor. www.eurasianet.org/departments/election/uzbekistan
16. *Ibid.*
17. www.Osce.org/odihr/documents/reports/election_reports/UZ/Uzboo-I-Final.
۱۸. در انتخابات ریاست جمهوری دسامبر ۱۹۹۱، کریم اف ۸۶ درصد آرا و محمد صالح ۱۴ درصد آرا را به خود اختصاص دادند. هرچند محمد صالح و دیگر احزاب مخالف، کریم اف را متهم به تقلب در انتخابات نمودند.
19. RFE/RL, *Newsline*, 11 January 2000.
20. Shahram Akbarzadeh, *Uzbekistan and the United States*, London: Zedbooks, 2005, pp.14-15.
21. *Ibid.*, p.15.
۲۲. در تظاهرات و گردهمایی‌هایی که توسط احزاب ملی‌گرا و مخالف حزب کمونیست برگزار می‌شد همواره این موضوع مطرح می‌شد که کسی که زبان مادری خود را فراموش کند مردم خود را فراموش کرده‌است این عبارت کنایه‌ای سخت به حزب کمونیست بود که گفته می‌شد هویت ملی ازبکی را فراموش کرده و به زبان روسی بیش از زبان ازبکی اهمیت قائل است.
23. Annette Bohr, *Restoring the Uzbek Cultural Heritage: Uzbek Literacy Journal Prospect Study of Ancient Turkic Script*; RFE/RL Research Report, 5 December, 1986.
۲۴. محمد صالح رهبر حزب ارک برنامه ملی‌گرایانه خود را در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۹۱ در رسانه‌های گروهی ازبکستان اعلام نمود که متن کامل برنامه او در روزنامه *Pravda Vostoka* به چاپ رسید. همزمان اسلام کریم‌اف در مصاحبه‌ای که چند روز بعد انجام داد عین برنامه‌های ارائه شده توسط محمد صالح را تحت عنوان «راه خود ما» یا «راه ازبکی» به نام خود ثبت نمود و آن را در همان روزنامه *Pravda Vostoka* در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۱ منتشر ساخت.
25. Shahram, Akbarzadeh, p.17.
۲۶. سیدرسول موسوی، حرکت‌های اسلامی در آسیای مرکزی، فرهنگ اندیشه، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۸۳، صص ۱۳۵-۱۰۴.
27. Shahram Akbarzadeh, p.17.
۲۸. گزارش وزارت امورخارجه آمریکا درباره حقوق بشر و دموکراسی در ازبکستان در سال ۹۷.
www.usis.usemb.se/human/human97/uzbekistan.html

۲۹. به نقل از: Shahram Akbarzadeh, p.18.

۳۰. مفتی محمدصادق حتی با تشکیل حزب احیای اسلامی و هر حرکت سیاسی دیگر تحت عنوان اسلام مخالفت صریح خود را اعلام کرده بود. وی در مصاحبه‌ای با کمسومول اسکایا پراودا (۸ دسامبر ۱۹۹۰) می‌گوید اسلام خود یک دین کامل است و این درست نیست که به بهانه اسلام حزبی تشکیل شود زیرا آن باعث فرقه فرقه شدن مسلمانان می‌شود. اسلام مافوق چارچوب‌های احزاب و باشگاه‌های دنیایی است.

31. Islamic Movement of Uzbekistan (IMU)

۳۲. این بمب‌گذاری‌ها که به شکل وسیع و گسترده مراکز و ساختمانهای دولتی را هدف قرار داده بود در یک مدت کوتاه (کمتر از ۲ ساعت) ساختمان وزارت کشور، ساختمان نخست‌وزیری، ساختمان بانک ملی و چند مرکز دولتی دیگر را هدف بمب‌گذاری قرار داده بودند. براساس برخی روایات گفته می‌شد که هدف اصلی بمب‌گذاران ترور اسلام کریم‌اف بود که در روز و ساعت مشخص قرار بود در مسیر یاد شده باشد که در این حادثه چون برنامه وی تغییر کرده بود آسیبی به وی وارد نشد؛ اما ۱۶ نفر از مردم عادی کشته و بیش از یکصد نفر مجروح شدند.

۳۳. ویتالی نامکین رئیس مرکز مطالعات استراتژیک و سیاسی روسیه در یک تحقیق ویژه برای دانشگاه برکلی اطلاعات قابل توجهی را در مورد حرکت اسلامی ازبکستان از طریق مصاحبه و تحقیق میدانی جمع‌آوری کرده است.

Vitaly V. Naumkin. *Militant Islam in Central Asia: The Case of The Islamic Movement of Uzbekistan*, Berkeley program in soviet and post - Soviet Studies. University of California, Berkeley: Spring 2003.

۳۴. مصاحبه آقباتایف از اعضای حرکت اسلامی ازبکستان با مؤسسه صلح و جنگ لندن. Institute for War and peace Reporting, IMU Insight" Reporting Central Asia. 12 July 2002.

۳۵. و در منابعی دیگر رقم پرداختی دولت ژاپن شش میلیون دلار ذکر شده است.

۳۶. وحید مزده، افغانستان و پنج سال سلطه طالبان، پشاور: میوند ۱۳۸۱، ص ۵۵.

37. Vitaly V. Naumkin. *Militant Islam in Central Asia*. p.45.

۳۸. وحید مزده، افغانستان و پنج سال سلطه طالبان، ص ۵۶.

۳۹. سیدرسول موسوی، حرکت‌های اسلامی در آسیای مرکزی. فرهنگ اندیشه. صص ۱۲۶-۱۴۰.

۴۰. حزب التحریر دارای دو سایت اینترنتی است (بجز سایتهای مرتبط با آن) که اطلاعات مربوط به خود را از طریق آنها منتشر می‌نماید:

<http://www.hi2b-ut-tahrir.org>

<http://www.khalifah.com>

همچنین اطلاعات مفیدی در این سایت درباره حزب التحریر منتشر می‌شود.

<http://www.eurasianet.org>

۴۱. به نقل از گزارش ICG از واقعه اندیجان <http://www.crisisgroup.org>

۴۲. بولتن خبری سفارت جمهوری ازبکستان در تهران. مصاحبه مطبوعاتی رئیس جمهور ازبکستان اسلام کریم اف دربارهٔ حادثه اندیجان، تاشکند. ۱۴ مه ۲۰۰۵.

۴۳. آنچه ذکر شد تلخیص مصاحبه اسلام کریم اف با رسانه‌های گروهی بود که از منبع فوق استفاده گردید.

۴۴. بولتن خبری سفارت جمهوری ازبکستان در تهران: کنفرانس مطبوعاتی دادستان کل ازبکستان آقای رشید قادراف، تاشکند ۱۷ مه ۲۰۰۵.

۴۵. گزارش کامل گروه مطالعات بحرانهای بین‌المللی ICG در مورد حادثه اندیجان در سایت اینترنتی گروه قابل دسترسی است عنوان گزارش Uzbekistan: The Andijan Uprising است که در مجموعه Asia Briefing گزارش شماره ۳۸ طبقه‌بندی شده است.

<http://www.crisisgroup.org>

۴۶. متن جزوه راه حق از طریق سایت اینترنتی ذیل قابل دسترسی است.

<http://www.ozodovo2.org/UZ/contents>.

۴۷. فعالان حقوق بشر اعلام می‌دارند که گروهی به نام «اکرمیه» وجود خارجی ندارد بلکه یک هویت مجازی است که توسط دستگاههای امنیتی ازبکستان جعل شده تا عده‌ای را به این اتهام دستگیر سازد.

۴۸. در گزارش ICG بطور مشروح دیدگاههای مردم اندیجان دربارهٔ این افراد (تجار) و اقدامات آنان به نقل از شاهدان عینی و افراد مصاحبه شونده آورده شده است.

۴۹. همان.

50. Radio Liberty - tuesday 17 May & 2005.

_ Daniel Kimmage. Uzbekistan: What Really Happened on Bloody Friday?

۵۱. جزئیات واقعه اندیجان در سایتهای زیر قابل دسترسی است.

<http://www.Crisisgroup.org>

<http://www.BBC.Co.UK/Persian>

<http://www.rferl.org>

52. Radio Liberty. 19 May 2005.

53. Radio Liberty. 30 May 2005.

۵۴. بولتن خبری سفارت جمهوری ازبکستان در تهران .. مصاحبه مطبوعاتی رئیس جمهور... ۱۴ مه ۲۰۰۵.